آینده روشن ایران

اردشیر زاهدی در یکی از مصاحبه‌های جنجالی‌اش به آینده روشن ایران اشاره داشته و اینطور می‌گوید: الآن هم حق با ایران است. این جمله را رسماً در یک جلسه لیدر شیپ به انگلیسی گفتم و همه‌جا پخش شد. از حق ایران دفاع کردم. به ایران ظلم شده، به‌خصوص در جنگ. به ایران بد می‌کنند و باید تحریم‌ها هرچه زودتر برداشته شود. برای من افراد و دولت‌ها مهم نیستند. برای من شرافت، تاریخ و مملکتم مهم است. مملکت ما امروز ۴۰ درصد جوان‌ها هستند و ۳۰ درصد از آنها زیر ۳۰ سال هستند، دو سوم این افراد خانم‌ها هستند که رئیس دانشگاه شده‌اند، وکیل مجلس هستند. کدام یک از این ممالک اطراف ما در خاورمیانه از خانم‌ها این‌طور استفاده می‌کنند؟ حقوق زنان در ایران پیشرفت کرده است.

او همچنین تاکید می‌کند: ایران یک مملکت بزرگ است، تاریخ چندین هزارساله دارد. خارجی‌ها غیرتی که ایران دارد را نمی‌توانند قبول کنند.

یادداشت

اردشیرزاهدی درترازوی‌تاریخ

خسرو معتضد

مورخ و تاریخ‌پژوه

اردشیر زاهدی در صحبت‌های اخیر خود در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به‌صراحت از سیاست‌های آمریکا انتقاد و ترامپ را به عنوان آدم نادان معرفی کرد که علیه مردم ایران موضع گرفته است.

زاهدی در بخش دیگری از صحبت‌های خود، انتقادات تند و تیزی علیه مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا مطرح کرد و او را از ترامپ نادان‌تر دانست.

این موضع‌گیری زاهدی را باید ارج گذاشت و مورد تقدیر قرار داد. واقعیت آن است در شرایط فعلی باید مواضع اردشیر زاهدی را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داد.

اردشیر زاهدی فرزند فضل‌ا... زاهدی است. من در کتابی نقاط قوت و ضعف پدر اردشیر زاهدی را مورد بررسی قرار دادم و حتی شنیدم محتوای این کتاب باعث ناراحتی اردشیر زاهدی شده است، اما به هر حال در شرایط فعلی من از مواضع ایران دوستی او تقدیر می‌کنم.

اردشیر زاهدی، مجموعه‌ای از اضداد است. او برای تحصیلات به آمریکا رفت و جامعه آمریکایی را به‌خوبی می‌شناسد، اما با این حال دانشجوی برجسته‌ای نبود. زاهدی در دوران وزارت خارجه خدماتی انجام داده بود. ایجاد مرکز مطالعات وزارت خارجه، اخراج فراماسونرها از این وزارتخانه و ممنوعیت عضویت کارکنان وزارت خارجه در احزاب و گروه‌ها و همچنین سروسامان دادن سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور از جمله اقدامات موثری بود که وی در دوران فعالیت خود انجام داده است.

نکته دیگر، دفاع زاهدی از حقانیت ایران در خلیج فارس بود و حتی او تلاش کرد روند جدایی بحرین از ایران را آهسته کند، ولی جریانی که به‌واسطه هویدا، نخست‌وزیر و خعلتبری، وزیر خارجه بعدی روی کار آمدند به هیچ وجه نگاه ملی نداشتند.

اما در عین حال برخی رویه‌ها از جمله دستبوسی سفیران برای شاه در دوره زاهدی مورد انتقاد بوده است. همچنین زاهدی زمانی که سفیر ایران در ایالات متحده آمریکا شد سیاست خردمندانه‌ای در پیش نگرفت. از دیگر معایب اردشیر زاهدی، بدزبانی‌های او در محافل عمومی بود. با این حال دوران فعالیت زاهدی در وزارت خارجه بر عملکرد جریان هویدا و خلعتبری ترجیح دارد.

با چنین مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عملکردهای مثبت و منفی است که باید درباره اردشیر زاهدی داوری کرد. او در حال حاضر در سنین بالای عمر قرار دارد و در باغ گل سرخ خود در سوئیس زندگی می‌کند. بعد از گذشت این همه سال، او اکنون پخته‌تر شده و نسبت به روند قضایا و تحولات تحلیل منصفانه‌تری دارد.

زاهدی در شرایطی این سخنان را مطرح کرده که با صراحت عنوان می‌کند طرفدار جمهوری اسلامی ایران نیست، اما از میهن دفاع می‌کند.

این اظهارنظر در کنار مواضع اپوزیسیون‌هایی که ادعای ایران دوستی دارند قابل بررسی است.

مدعیان ایران دوستی که نقش اپوزسیون را ایفا می‌کنند از هر گونه سیاست فشار و تحریمی که علیه ایران مطرح می‌شود، حمایت می‌کنند. آنها بعد از گذشت این همه سال هنوز حاضر نیستند سیاست‌های نابخردانه شاه را در مورد بحرین مورد نقد قرار دهند.

آنها هیچ شناختی از ایران و مردم ایران ندارند و همچنان بر طبل تحریم می‌کوبند.

اما در نقطه مقابل، اردشیر زاهدی با صراحت از مخالفت خود باتحریم سخن می‌گوید و به‌شدت بر سیاست‌های ترامپ و وزیر خارجه آمریکا علیه مردم ایران می تازد.

در مجموع در سیر عملکرد و رفتار اردشیر زاهدی به عنوان یک چهره سیاسی در تاریخ معاصر ایران، مجموعه‌ای از نقاط مثبت و منفی وجود دارد، اما با این وصف اظهار نظر او در مورد دفاع از ایران و انتقاد تند و تیزش از سیاستمداران آمریکایی قابل تقدیر است.

گفت‌وگوی اختصاصی جام جم با اردشیر زاهدی درباره

نگذارید سلطه آم... برگ...

مهرزاد سردار اکبری بختیاری

تاریخ پژوه

حدود یک دهه است که اردشیر زاهدی، داماد سابق پهلوی دوم و وزیر خارجه و سفیر سابق ایران در انگلیس و آمریکا، در باب زیاده‌خواهی دولت‌هایی که از قضا در گذشته با مسؤولان آنها مراودات نزدیک داشته، هشدارهایی جدی می‌دهد.

این مواضع اما بازتاب‌ها و واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است. عده‌ای او را عامل جمهوری اسلامی می‌دانند

شما با توجه به مسؤولیتی که طی سال‌های ۴۵ تا ۵۰ در صحنه سیاست خارجی ایران داشتید و شناختی که از مناسبات بین‌المللی و به‌ویژه از آمریکا دارید، آیا تأیید می‌کنید نوع مواجهه آمریکا با جهان به خصوص ایران مواجهه‌ای ظالمانه و زورگویانه است؟

من تایید می‌کنم که آمریکا می‌خواهد به ایران زور بگوید، البته ایران را نمی‌شناسند و از شرایط موجود دنیا سوءاستفاده می‌کنند. این حرفی که اینها امروز به ایران می‌زنند، خلاف شرف، اخلاق و انسانیت است، به‌خصوص کشوری که ادعای ابرقدرتی می‌کند. ابرقدرت باید فهم داشته باشد و مخاطب خود را بشناسد. رابطه ایران و آمریکا بیشتر از ۱۶۷ سال سابقه دارد و اسباب تأسف است که آمریکا چنین دوستی را از دست داده‌است. ایران این‌قدر از خودش حوصله نشان داد و برای این‌که مشکلاتش را حل کند و به مردمش برسد، گفت‌وگو با ۵+۱ را قبول کرد و دو سال و خرده‌ای هم چانه زدند تا پنج کشور اروپایی بعلاوه آمریکا آن را امضا کردند. کشوری که خودش را ابرقدرت می‌داند، به دلیل این‌که رئیس‌اش یا اطرافیان او دل درد گرفته‌اند، نمی‌تواند به خودش اجازه دهد که زیر این قرارداد بزند، چون هم خلاف اخلاق و هم خلاف وجدان است و در هیچ جای دنیا نمی‌تواند اخلاقا قابل قبول باشد، به‌خصوص که سازمان ملل و این پنج کشور امضا کردند، اما ایشان چون از آقای اوباما خوشش نمی‌آمد، این کار را کرد که هم بچگانه و هم غلط و هم غیرقابل قبول بود.

> این را خطاب به جوان‌ها می‌گویم که تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران را بخوانند تا ببینند که متأسفانه، همیشه اجنبی‌ها به ایران زور گفته‌اند و لذا ایران باید قدرت داشته باشد تا بتواند در مقابل زورگویی خارجی‌ها بایستد. این مردم نجیب -که من واقعا افتخار می‌کنم بگویم ایرانی هستم- تمام این مشکلات را تحمل می‌کنند تا خودفروشی نکنند

سیاست دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در برخورد با آمریکا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر چیز در موقعیت خودش معنا پیدا می‌کند. البته من هم دیپلمات برجسته‌ای نبودم، ولی سعی کردم هر چیزی که از دستم برمی‌آید برای مملکتم انجام دهم. مسلماً در شروع کار، مسؤولین ایران فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده و احتمالا اشتباهاتی هم داشته‌اند، ولی همان‌طور که من در نطقی که دموکرات‌ها و دیپلمات‌ها هم حضور داشتند گفتم، در تمام مذاهب، بخشش بزرگ‌ترین لذت در دنیاست و انتقام‌گرفتن یکی از بدترین چیزهاست.

امروز جمعیت مملکت ۸۳میلیون است، وقتی که ما بودیم ۳۵میلیون بود. از این ۸۳میلیون، حداقل ۶۰میلیون سواد دارند و می‌توانند بخوانند و بنویسند. ۴۰میلیون دانشگاه‌رفته هستند. ۳۰میلیون از ۸۳میلیون، کسانی هستند که کار می‌کنند و ۲۰میلیون آنها خانم‌ها هستند که برای ایران و هر کشور دیگری افتخار است و همه باید به آن افتخار کنیم. باید بگویم که به‌خصوص در چند سال اخیر، برای وزارت خارجه‌ای که دوست داشتم و آن را مثل فرزند خودم می‌دانم، احترام زیادی قائل هستم. من در اینها حس وطن‌پرستی می‌بینم و به آنها تبریک می‌گویم که سیاست‌شان قابل احترام است. حتی رئیس جمهور کنونی ایران هم، با کمال قدرت و ادب پاسخ رئیس جمهور آمریکا را داد. برای من دولت‌ها فرق نمی‌کنند، آنچه که مهم است مملکت و وطن و مردمانی هستند که من آنها را برادرها و خواهرهای خود می‌دانم. به اینها ظلم شده است و می‌شود.

یک کشور که ادعای ابرقدرتی می‌کند، نمی‌تواند حتی دارو را برای این مردم تحریم و برای آنها زحمت ایجاد کند. صرفا به این دلیل که تصور می‌کند تغییر رژیم در ایران به این سادگی‌هاست و می‌تواند آنها را به زانو درآورد. این را خطاب به جوان‌ها می‌گویم که تاریخ ۲۰۰ ساله اخیر ایران را بخوانند تا ببینند که متأسفانه، همیشه اجنبی‌ها به ایران زور گفته‌اند و لذا ایران باید قدرت داشته باشد تا بتواند در مقابل زورگویی خارجی‌ها بایستد. این مردم نجیب -که من واقعا افتخار می‌کنم بگویم ایرانی هستم- تمام این مشکلات را تحمل می‌کنند تا خودفروشی نکنند. متأسفانه افرادی هم هستند که یا مملکت‌شان را فراموش کرده‌اند یا شرافت و حیثیت خود را از دست داده‌اند. ضرب‌المثل فارسی داریم که بر اینها منطبق است: بدترین آدم کسی است که سینه مادرش را گاز گرفته است! یک عده‌ای مصداق این ضرب‌المثل هستند و تز می‌دهند که: بروید و روی ایران بمب بیندازید! بر سر چه کسی؟ سر مردمی که بی‌جهت به آنها ظلم می‌شود؟ روی سر مردمی که این‌طور شرافتمندانه مشکلات را تحمل می‌کنند تا بتوانند به مملکت‌شان کمک و خدمت کنند. این مردم قابل احترام و افتخارند. ممکن است عده‌ای از این حرف‌ها خوششان نیاید و فحش هم بدهند. من به این حرف‌ها نه اهمیت داده‌ام، نه می‌دهم و فقط آنچه را که از دستم برمی‌آید و وظیفه من هست، انجام می‌دهم که در برابر وجدان و خدای خودم شرمنده نباشم. از طرف خارجی‌ها به ایران ظلم شده و ظلم می‌شود و باید جلوی آن را گرفت. خوشبختانه ایرانی‌ها مرد و مردانه ایستاده و توانسته‌اند به‌تدریج حق خود را بگیرند و خود را ثابت کنند. همین الان که دارم با شما صحبت می‌کنم، مقاله نیویورک‌تایمز جلوی روی من هست که درباره مقاومت ایرانی‌ها در برابر این فشارها نوشته. منظورم این است که خود آمریکایی‌ها هم این را قبول دارند. من معتقدم اینها با این قرتی‌بازی‌هایی که انجام می‌دهند، به جایی نمی‌رسند. اینها با عربستان سعودی معامله می‌کنند. عربستان سعودی چه عنوانی دارد جز این‌که یک رژیم آدمکش و خونخوار است که می‌رود و در مملکت دیگری آدم‌ها را می‌کشد و بعد می‌گوید: من حافظ مکه هستم! کسی که مسلمان است و شرف دارد، آدمکشی و خونخواری نمی‌کند، آن هم این‌طور وحشیانه. اینها خلاف وجدان و قوانین انسانی است و من نمی‌توانم با این چیزها موافق باشم. ایران هزاران سال تاریخ دارد و همیشه به دنبال صلح بوده است. حکومت‌ها همیشه آمده و رفته‌اند، ولی باید امروز و فردا را دید. آب ریخته را نمی‌شود به جوی برگرداند. من به همه هموطنانم قول می‌دهم که شرافت و وجدانم را در اختیارشان قرار بدهم و در هر جا که از دستم بربیاید، از وطنم دفاع خواهم کرد، چون افتخار می‌کنم که هم ایرانی باشم، هم مسلمان و از چیزی هم باک ندارم. این را باید غرب بفهمد که اگر یک مسلمانی بد کرد، او نامسلمان است، نه این‌که همه مسلمان‌ها بد هستند. این جوان‌ها آتیه این مملکت هستند. من به روح پدر و مادرم -که عزیزترین کسانی هستند که داشتم- قسم می‌خورم که وقتی تلفنی یا حضوری با این جوان‌ها صحبت می‌کنم، به آنها حسادت نمی‌کنم، بلکه افتخار می‌کنم و خجالت می‌کشم که در قدیم آن‌طور که باید و شاید متوجه اینها نبودیم! اینها لیدرهای جدید هستند و غیرت و شرف و هوش دارند. معلوماتی را که اینها دارند، امثال من ندارند! بنابراین من خیلی خوشبین هستم و تردید ندارم که بالاخره حق به حقدار می‌رسد.

تئوری دولت آمریکا این است که با استراتژی فشار حداکثری مردم در تنگنا قرار می‌گیرند و این باعث نارضایتی و شورش مردم می‌شود که نهایتا تغییر رژیم اتفاق می‌افتد. از آنجا که ایران در چند سال آینده تبدیل به بزرگ‌ترین قدرت موشکی منطقه می‌شود، می‌خواهند جلوی این فرآیند را بگیرند تا ایران به زانو دربیاید و تسلیم خواسته‌های آنها بشود. در این باره چه دیدگاهی دارید؟

غلط می‌کنند و بسیار زیاد هم غلط می‌کنند! به قول معروف، «شتر در خواب بیند پنبه دانه». آنها کی هستند که به ما دستور بدهند؟ هر کسی که علیه مردم خودش صحبت کند، یا از اعراب منطقه و اسرائیل و سیا پول بگیرد و خودفروشی کند، بدنام است و به‌درد مردم نمی‌خورد و نهایتا هم با بدنامی ساکت خواهد شد!

احقاق حق ایران هم بسته به اراده خود ایرانی‌هاست. چرا نداشته باشند؟ اسرائیل از روز اولی که به وجود آمده، بمب اتمی داشته و امریکا هم چشمش را به روی این موضوع بسته است. من چندین‌بار در ملاقات با سفرای مختلف و در سازمان ملل گفته بودم که ما حاضریم بیاییم و تمام منطقه را عاری از سلاح‌های اتمی کنیم، ولی اینها به خاطر این که زرادخانه اسرائیل دست نخورد، قبول نکردند! حق ایران است، مخصوصاً که اینها ۱۵۰ میلیون اسلحه به سعودی‌ها فروختند که برود و در یمن کثافت‌کاری کند و مردم را بکشد! این اشخاصی که این حرف‌ها را می‌زنند، دنبال منافع خود هستند. برای این که مسائل حل شود، طرفین باید شرافتمندانه رفتار کنند، نه این که به هم دروغ بگویند! اعتماد و اطمینان نباید از بین برود. من سر قضیه چکسلواکی با آندره گرومیکو وزیر خارجه روسیه مشکل داشتم، اما حرف همدیگر را می‌فهمیدیم. اختلافات را مطرح و در عین حال احترام و دوستی خودمان را هم حفظ می‌کردیم، به خاطر این که به هم اعتماد داشتیم و دروغ نمی‌گفتیم. اینها اگر حرفی با ایران دارند، بیایند شرافتمندانه حرف بزنند و دروغ نگویند. اروپا آمده و قرارداد برجام را امضا کرده. حالا آمریکا آمده و آنها را تحت فشار قرار داده و آنها تدریجا دارند به خاطر حفظ منافع و شرکت‌هایشان، به تدریج عقب می‌کشند! این کار اتحادیه اروپا خلاف اخلاق و خلاف تعهدی است که داشته‌اند. البته چین و روسیه سر تعهدشان ایستاده‌اند، برای این که برجام را امضا کرده‌اند، ولی خب بعضی وقت‌ها شل می شوند!

این که یکی بگوید چون قدرت دارم هر کاری دلم خواست می‌کنم، درست نیست. با قلدری هیچ قدرتی نمی‌توانی داشته باشی و در مقابل مردم دنیا کاری نمی‌توانی انجام بدهی! تمام منطقه خلیج‌فارس و جاهای دیگر را به کثافت کشیده‌اند! آمده‌اند و برخلاف تمام شواهد تاریخی، فلسطین را گرفته‌اند و حالا می‌گویند: دستشویی هم که می‌خواهی بروی، باید از من اجازه بگیری! کدام قانون بین‌المللی این رفتار را قبول دارد؟ بعضی از اعراب هم برای پول و برای این که به آنها کمکی شود، فلسطینی‌ها را فراموش کرده‌اند! رفتاری که با فلسطینی‌ها می‌شود، برخلاف حقوق بشر است. چرا در این مورد کسی حرفی نمی‌زند؟ آنچه مال من است، مال من است، آنچه هم که مال شماست، مال من است؟! این را یک‌بار به گرومیکو گفتم که به او بر خورد و البته بعد هم آشتی کردیم. حرف باید منطقی باشد.

باز هم می‌گویم که به ایران افتخار می‌کنم که عمده چیزهایی را که نیاز دارد، بدون این که از خارج خریده باشد، با همت و تلاش و غیرت همین مهندسین جوان، برای خودش تهیه کرده است. زیردریایی و موشک و هر چه را که نیاز دارد، درست و این همه پیشرفت کرده. ایران باید در مقابل دشمن قوی باشد. مگر قرار است ایران همه چیزش را بدهد و کاری را که با قذافی کرده‌اند، با ایران هم بکنند؟ ایران لیبی نیست که آنجا را به کثافت کشیده و هنوز هم توی آن مانده‌اند! قذافی گول خورد.

یک خانواده کاملاً سیاسی

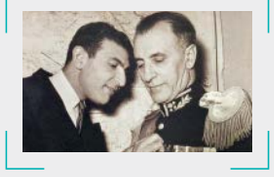

در تاریخ دوره پهلوی، نام خانوادگی زاهدی، ما را به یاد دو شخصیت می‌اندازد؛ فضل‌الله و اردشیر. پدر و پسری که در دوره زمامداری پهلوی‌ها هر کدام عهده‌دار نقش سیاسی برجسته‌ای بودند. فضل‌الله زاهدی که ریاست شهربانی و ژاندارمری، سناتوری مجلس سنا، وزارت کشور، نخست‌وزیری و نمایندگی دائم ایران در دفتر اروپایی سازمان ملل را در کارنامه دارد، شاید بیش از همه به دلیل نقش‌آفرینی‌اش در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد و بازگرداندن محمدرضا به سلطنت شهره باشد. به همین دلیل نام او در تاریخ در مقابل نام محمد مصدق قرار گرفته است. زاهدی پسر هم مثل پدر وارد عرصه سیاسی در بالاترین سطح خود شد و در دوره پهلوی دوم به مناصبی مثل سفارت ایران در آمریکا و انگلستان و وزارت امور خارجه رسید. از اردشیر زاهدی پیش از این خاطرات و مصاحبه‌های پراکنده‌ای به چاپ رسیده بود که نخستین آنها پس از واقعه ۲۸ مرداد در مجله اطلاعات ماهانه به صورت دنباله‌دار بود. مجموعه‌ای که بعدها از سوی انتشاراتی‌های مختلف تجدید چاپ شد. اما حالا مجموعه‌ای دو جلدی از خاطرات وی در دست علاقه‌مندان قرار دارد.

فرصت‌های فرنگستان

اردشیر زاهدی طبق گفته‌های خودش، از طرف مادر به خاندان قاجار گره می‌خورد. وقتی اردشیر در سال ۱۳۰۷ در تهران متولد شد، پدرش مشغول جنگ در گیلان بود. فضل‌الله زاهدی با توجه به اینکه مدام در جنگ بود، نمی‌خواست پسرش اینجا بماند و تمایل داشت او را برای ادامه تحصیل به خارج بفرستد. همین‌طور هم شد.

اردشیر پس از گذراندن دوره دبستان و دبیرستان دیپلم خود را از یک مدرسه در بیروت که وابسته به دانشگاه آمریکایی بیروت بود، گرفت و برای ادامه تحصیل روانه آمریکا شد و در آنجا در رشته‌های کشاورزی و اقتصاد مشغول تحصیل شد. در همانجا بود که پدر و مادرش از هم جدا شدند و هر یک به ازدواج دیگری تن دادند. زمانی که اردشیر در آمریکا بود، محمدرضا شاه برای بار نخست راهی این کشور شد و در آنجا اردشیر به عنوان نماینده محصلین ایرانی ایالت یوتا برای به اصطلاح شرفیابی خدمت شاه رسید و آن دیدار شاید جرقه‌ای برای آغاز آشنایی و رابطه وی با محمدرضا بود.